حميدبابايى

بادداشت

یادداشتی درباره مجموعه داستان «چال» نوشته «علی دهقان»

ادبیات اجتماعی در «چال»

🔸 صدای ر سای طبقه فقیر



وعه داستان «چال»اثر «على دهقان» نويسنده و روزنامهنگار، در همین آغاز ورودش به بازار نشر، گمانه های مختلفی را در بر داشته است. ابتدا اغلب خبر گزاری ها آن را «داســتان کار گری» معرفی حبر گزاری ها آن را «داستان کار کری» معربی کردند و سپس بعضی منتقدان، آن را روایتی از کار و زندگی معاصر شناختند. یادداشت پیش رو اما و رعد دی معاصر سه حصد، یاده سطح پیش رو مه روایتی دیگر از این مجموعه داستان ارایه میدهد، منتقد،اثر را داسـتانی اجتماعی می داند و نخ ضمن داشتن نيم نگاهي به ادبيات اجتماعي در اير ان چرایی اجتماعی بودن این «مجموعه داستان» را پاسخ می دهد. دست آخر نیز، با طرح چند مولفه داستاني قابل تاکيد، از ساختار و روايت يک دست جموعهمىنويسه

ادبيات اجتماعي ايران ريشه هاي غنى و تاريخي فراوان دارد.اگرازمتن های انتقادی دهخداو سایر نویسندگان در روزنامه «صوراسرافیل» چشم پوشی کنیم؛ ادبیات مدرن ایران بارویکردهای اجتماعی پیوندی نزدیک دارد. برخی ز این رویکردها در زیر لایههای متن و در پشــت معنا و مفهوم آن نهفته است وبرخى در لايه ابتدايى وطرح قصه

۔ بـرای مثــال می تــوان از صــادق هدایــت به عنوان نویسندهای یاد کرد که همواره نقد اجتماعی در بن مایه آثارش وجود دارد. نویســندگانی ماننــد صادق چوبک و جلال آل احمد اما این و جلال آل احمد اما ین رویکر در ادر آثار شان به صورت مستقیم و باواسطه داشته اند اما هرچه از ادبیات دهه يم و باواسطه داشـ ب مسمعیم و بوسطه دست. د. می گیریم نــگاه انتقادی و ۳۰ و ۴۰ خورشــیدی فاصله می گیریم نــگاه انتقادی و اجتماعی این نویسندگان متفاوت می شوند. در این متن مجال پرداخت به نقد و بررسی تمام کمال سیر رشد ادبيات قطعا وجود ندار داز اين رومستقيم به سراغ دهه بیت مصوحو عنوع ریز و رسید و مستعیم به سرے مند ۸۰ و ۹۰ و برر سی این گونه ادبی در این زمان می بردازیم. در ابتدای دهه ۸۰ خورشیدی ادبیات اجتماعی ایران تغییر رویکرددادوبه گونه ای از بیان دغدغههای مرسوم و بررسی نقش و خاستگاه قدرت فاصله گرفت و به بیان زُندگی فردی و خصوصی افراد پرداخت، به بیان دیگر در این زمان ادبیات وارد حریم شــخصی و روابط فردی

عنــوان تازهتریــن کتــاب ترجمه «لیــلا صادقی» شاعر، نویســنده و پژوهشــگر ادبی همرروز گارمان؛ که بی تردید می توان او را از معدود شــاعران و نویسندگان اهل مطالعــه آکادمیک و پژوهش های بلنــد، زمان بر، فسيرى، تحقيقي و جامع دانست؛ ذهن كنجكاو را بر کستردی دعیدی و جامع دست. میں تعبیرو را بر گستردای از مباحث علوم انسانی می کشاند که اگرچه تازهیاباند و تاریخ چندانی از ارایه و طرح مساله شــان نگذشته اما، تأثیرات شدید و شــگرفی بر فضای علوم انسـانی گذاشــتهاند.از همین رو، چندوچون، نگارش یا نگاه کردن بر آن مباحث، در شــمایل یک نوشتار یا یادداشت حتی بلند نخواهد گنجید؛ و اگر هم بگنجد، بی تردیسه، گزاردهای مختلف و شیاید تأثیر گذاری در آن از دست خواهد شید، با این همه و با اقسوس از ن که، مجله هـا و ماهنامه های ادبـی روز گارمان، که ان کنه مجنفه و ماهنمه های ادبی روز نارمان، ته شاید می توانند فضاهای بیشت و بهتری برای چنین مباحثی ایجاد کننده بدل به کارزار «گزینیویسی» هوشتار نویسی» و اقسامی کهاندیشنانه از این دست شدهانده و هم به این دلیل ماهیت علمی – آکادمیک خود , ا از دســــت دادهاند، بابد اعتـــر اف کرد که همبر· مورار می می تواند فقر و دست ب دهانی مقاله کوتاه، اگرچه نمی تواند فقر و دست ب دهانی مقاله آکادمیــک در فضای ادبیــات را جبران کنداما شــاید

ا اڭائىيىت دۇ قىتاى دېيىت را جېرىن ىىدەمىت يى نقىي،باشدېر نفىسىلى، مقطع وبرىدەمقالە تحليلى. **ماو علوم شناختى** «درآمدى بر على،شناختى» وبە كوشىش نشىر ول»كىما تىرجمە «ليلاصادقى» وبە كوشىش نشىر «مروارید» ارایه شـده اسـت، پیش از هر چیز، ذهن را به مباحث «علم شناختی» می کشـاند. حوزهای که در اس به آینده متعلق و اغلب جذابیتش نیز به همین اصل به آینده متعلق و اغلب جذابیتش نیز به همین خاطر است این آینده اما این روزها آغاز شده است و بخش وسیعی از جنبههای آن در زندگی هر روزه ما مشاهده می شود. یکی از جنبههای قابل تامل در «طوم شیناختی» این است که دانشــمندان آن تا به امروز موفقیتهای چشمگیری در ابداع فناوری های مرتبط ۔ سائلی همچون ذهن، مغز، زبان و هوش به دست ور دهاند و همین موفقیتها بوده است که باعث شده سیاری از دانشمندان حوزه «علوم انسانی» به مباحث ى ئل «علومشناختى» علاقەمند و تمركز خود را بر ن بگذارند. اما گستره «علم شناختی» در نگاه به آینده لذَّتاز کشف آن خلَّاصه نمی شود. «علمُشناختی» به ممان اندازه که علمی درباره آینده است، در گذشته نیز ریشه دارد. این علم بسیار از پرسش ها که در محور هستی شناسی و معرفتشناسی طی سالیان طولانی در گفتمان هــای فلســفی، اخلاقی، ادبــی و ... مطرح بودهاند را در شــمایل و ســاختاری جدیــد احیا کرده ودهاندرا در سسمین و سب عناری بیایی . ست. پرسش هایی همچون نسبت ذهن با بدن، ماهیت خلاق، قضاوت اخلاقی، چگونگی اکتساب دانش، نحوه اد. اک : ببایی ، ماهیـت اراده آزاد، و رابطه ذهن و د. -ر - ریبی، معیب ارده ازاد، ورابطه ذهن و زبان؛ از پرسش،های معمول «علومشناختی» هستند. با این همه اساسی ترین پرسش و مساله مورد تأکید «علومشناختی» روی «آگاهی» است.

موم سنا علی» روی ۵ علی» است. **علوم شناختی در ایران** در کشــور مابیش از ۱۰ ســال اســت

در مسور دیمین را مصن با مسن در ۲۰ سال است که آزمایشگاهی – پژوهشی و بیش از ۲۰ سال است که تنها به صورتی تحقیقی به محلوم شیناختی IRICSS» و میشود. «پژوهشیکده علوم شیناختی IRICSS» دپژوهُشـــُگاهُ دانشهای بنیادی IPM» از نخ



اخراج اواز محل كاربه علت اعتراض به شرايط اقتصادى انسان ها شــد این نگاه و وضع تا اواخر دهه ۸۰ و ابتدای نىيتى رانندگان شركت واحد، موضع خود را ن جریانات اجتماعی و ادبی در دل موقعیتهای داستانی هستیم. در این میان داستان بلند «چل» نوشته علی دهقان را می وان متنی مورد توجه در حوزه مباحث

ی «چال» روایت نوجوانی است که به علت اخراج پدر از

به وضع موجود شخصی پیش می برد که می توان گفت صدای رسای جامعهای مشخص و طبقه اجتماعی عندی رست ی جامعه ای مستحص و طبعت اجتماعی فقیری است که اغلب بار ســنگین مشکلات اقتصادی كلان جامعه درزیست روز مرمشان معلوم است. نویسنده می کوشـد با بیان قصهاش از زبان راوی اول شــخص داســـتان وضع بداجتماعي و اقتصادي او را به

شــر کت واحد تن به کار میدهد و مجبور به زندگی در شرایط سخت می شود. داستان از ابتدا با بیان وضع پدر و

تصوير بكشد اكرچه متن كوشميده در هيچ جا قضاوت

یادداشتی به بهانه چاپ کتاب «در آمدی بر علم شناختی» نوشته «پیتر استاکول» ترجمه «لیلاصادقی»

امكان تبيين خلاقيت

حامد داراب روزنامەنگار ادبى

۔ باز گشت

ت. امارفته رفته ه

۹۰ وجوددان

احتماء دانست

مراکـــزى يودەانـــد کـــه

ر ری رو . آموزش، پرورش و پژوهش روی «علومشاختی» پرداختهاند. با این همه

ہر حاصـل پژوهش،هـای ایــن دو مرکز کــه نگارنده افتخار همکاری بــا آنها را

داشته م، از سال ۱۳۹۰ به این سـو با تأسیس «ستاد

فُناورىُشْنَاخَتَى» سرعُ

یافت و آنچه به این گستره فضایــی قابـل تأملتــر بخشید، جذب دانشجو در

مقاطع کارشناسے ارشــد و

دکترا در رشتههای مختلف

ملوم شياختي بود. طرفه

آن که ترجمههایی همچون کتاب پیشرو در کنار چاپ

فردی، ایجاد میشد نیز، در پیشــ تأثیر گذاربودهاند.

بی تردیــد آنچه مســائل و مباحث ۰٫۰۰۰ و به شــکلی کلی ادبیــات را با

«علومشــناختی» پیونــد میزنــد، زبانشناســی اسـت. به عبارتی بهتر آنچه منجر به نوشــته شــدن کتابی

همچـون ْ«شعْرشناسیشـناختی» میشـود، در اصـل و در اسـاس

ر۔ ۔ ۔ ی روز ، رو ی کی ہی۔ بـــا «علمشـــناختی» قابــل پیگیری اســت. به همین دلیل است که «پیتر

استاک ول» در جایی از مقدمه کتاب خود صراحت اشاره دارد: «پایه های شعرشناسی شناختی مستقیما بر مبنای

پیانی سرستی، علی و روانشناسی، بر بینی زبانشناسی، شناختی و روانشناسی، شناختی قرار دارد» آثاری که نوام چامسیکی (۱۹۲۸)، فیلسوف و زبانشیناس یه ودی، در دهمهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰

مُنْتَشَّر کرد، زبان شُناسے مدرنی را ایجاد کردند که بعدهــا خودشــان از تأثیر گذارترین آثار در جنبشــی

شدند که امروزه آن را «علوم شناختی» می نامیم. بی شک به همین دلیل است که اکنون زبان شناسی به عنوان یکی از ۶ شیاخه «علوم شناختی» مطرح

. است. چامسکی در پی آن بود که به پرسش کلاسیک «زبان چیست؟» پاسخی قاطع و مدرن دهد و در پاسخ به چنین پرسشی دریافتهای او درخصوص زبان

مقالهها و یادداشـــتهای بلند که به شــکل مطالعات

زبان شناسی شناختی و نوام چامسکے

برد و تعالى اين علم

ت و مديريت بينا ــترى

ــ دی توســـعه علوم و

10 درآمدی بر پيتر استاکول برکردان، ليلامانٽي

بود، منجر به رابطه «علمشــناختی» و زبان شدند. بماند آن که در این میان «دستور زبان گ

در این شــناخت تأثیر داشــتند. با این همه تأکیدزبان شناسانی همچون سرل (۱۹۷۵) بر «مفهوم اعمال گفتاری» و پر ۱۹۷۵) بر «مفهوم اعمال گفتاری» و

میر به ایجاد نظریه «شناخت بدن مند» شد؛ ایجاد دو رویکرد تازه، یعنی «رویکرد شکل گرا» و «رویکرد

قبل از هر سخنی درباره کتاب مورد بحث، باید اشاره کرد که مقدمه مولف، بهرغم همه مثالها، پرســـشها چند و چون درباره نحوه پاســخگویی بــه آنها و البته رایه پاسخهایی دقیق، نتوانسته است تصویر روشنی از چیستی و هستی «شعرشناسی شناختی» به مخاطبی

آشكارى نسبت به موقعيت افراد نداشته باشد اما داستان استاری سبب وروعیت افراد نشته باشده قدرت را به صورت کاملاغیرمستقیم نقدی کامل از وضع قدرت را به مخاطب ارایه می کند. در واقع عملی که متن را نسبت سایر متون دیگر ممتاز می کند نقد آشکار قدرت است. نویسنده جامعهای را تصویر می کند که در آن پدر به علت اعتراض کار خود را از دست می دهد و همین امر شاکله خانواده را از بیسن می برد. جامعهای کـه در آن هر گونه اعتراض با شدت کامل پاسخ داده می شود و کودکان در

آن مُجبور مىشوندتن به كاربدهند. نکته دَيَّگرى كُه در اين داســــتان حايز اهم نگاه واقع گرای متن نسبت به وضع کودکان کار است. نگاه رئالیستی اثر باعث شده است تا درد کودکان کار، این قشر اُسیب پذیر جامعه به خوبی دیده شود. در این مُیان لازم به تأکید است که چنین رویکردهایی اغلب خود به جسین رویدردهایی اغلب خود به آسیبی برای داستان هایی از نوع «چال» بدل شدهاند. مولفهای که از نگاه نقد داستانی , تبدیل به ،ک ، ۰ ۲ مولفهای که از نگاه نقد داستانی تبدیل به یک مشکل اساسی، برای چنین داستان هایی است. به عبارتی بهتر نقدى بەاغلب داستان ھايى كەدراين فضانوشتەمى شود وجودداردو آن اين است كەبەدلىل شفقت و دلسوزى نده برای شخصیتهای داستانش؛ نگاه رمانتیک و اغلب احساسیات زده در داسیتان رخنه می کند. این نگاه باعث مے شـــود مـتن در قدم اول نســــبت به هر چيز موضع داشته باشد و تأثیر گذاری متن روی مخاطب از میان برود. نکته ای که در «چـال» آن را نمی بینیم؛ و یکی از دلایلی که باعث شده است مخاطب چنین وضع و مشکلی را در «چال» تجربه نکند؛ این نکته قابل تأمل ست که نویسنده صحنههای خشونت آمیزی را که برای کودکان رخ میدهددر داستان خود عینا روایت کرده؛ خشونتی افسار گسیخته که از جامعه ای بیمار به افراد تزریق می شود. درواقع دهقان، همچون وجدان بیدار یک جامعه، ریشه تمامی این ناملایمات را در لایه اقتصادی

، واجتماعی متن جستوجو کرده و عوامل خشونت را با زبانی داستانی بیان میکند. در پایان اما آنچه درباره «چال»از نگاه نقد داستانی قابل ذکر است؛ و می توان از آن به عنوان مولفه های موفق این مجموعه داستان نام برد، مواردی همچون « وابت بكدست داستان»، «فضاســــازې هاي دقيق» و خصیت پردازی های زیبای متن»است که در انس مجموعه تأثير فراوانى داشته است.

که مخاطبــش حداقل،هایی از مضمــون اصلی کتاب را میداند. با این حال مقدمه ســختخوان استاکول، ر الى منابعة منابعة مساعة مساعة موان مساحون. در ارايه در كى دقيق از «شعر شناسى شناختى» موفق عمل نكرده است. از اين نگاه انتظار مى رفت كه مترجم يا خود يــا حداقل با كمــك از يك نويســنده واضح بر مبحث اساسی کتاب «مقدمهای جامع» بر اثر می افزود که حداقل مخاطب فارسی که به بهانه نو بودن موضوع یک محمد محمد بادرمی دید به بهمد و بوش موضع کتاب و تو بودن میدند همایشنایی این ارتباطتی می حتما از آن تلاش هدر آمدی بیر شعرشناسی شناختی» در ۱۲ فصل امامی تواند تلاشی جامیع و کامل در حوزه هنه مناسبی شناختی می داد. در میازند می هدر این میتر مید دام این در معرود می در میازند می هدر این بهخصوص در فصل های «دستورشناختی» و «دبیات بــه مثابه حکایت» بســـبار موفــق عمل کرده اســت. ارجاعات و روند تحلیل کتــاب در این دو بخش خوداز ممادلهای شُناختی ســود میجویند از مقام توصیف و تشریح چیســتی موضوعاتشــان خارج میشوند و با رویکر دی تبیینی مســائل را به پیش می برند مولف همچنین در ارابه خلاصــهای از مفهوم هر فصل کتاب همچنین در ارایه خلاصـای زر مهوم هر قصل تناب خود که در آغاز هر فصل آمده موقع عمل کرده است. در فصل ســوم با عنوان تخســتین الگوهاو خوانش » طبقهبندی های خاصی شــکل گرفته است که منجر به روایتی دیگرگون و البته شــناختی، از جنبش های منهمندی ماهی حاصی تسکل ترفته است که منجر به روایتی دیگرگون و البته شسناختی از جنبش های ادبی منخصی شده است این قصل در بررسی پی زند تأثیر الگوها بر شسناخت نیز در لایدهای پنهاندارنده خود، بسیار موفق نوشته شسده است. دیگر بخش های کتاب، همچون «عبارات اشارهای شـــناختی»، «انگاره با ممیچون سیارت سارت سارت می می کنی ۲۰ میترد رخدادها و طـرح واردهـا»، «جهان هـای گفتمان و فضاهای ذهنی»، «اســتعاره مفهومــی»، «جهان های متن» و «کلام آخر» که در جــای پایان بندی و نتیجه میں، و - درم، درم حادر جنای پایاں میں و عیمہ نشستہ است، توانستہ اند مباحث نظری مہمی از زبان شناسی شناختی را به بررسی بگذارند اما فصل یاز دھم کتاب با عناوان «در کا دبیات» که مسأله نفُراً ینسد» و «خوانسش» در اَن مورد بحث اس حدودی قابل بیان، ضعیف عمل کردہ است. از نگاہ شسناختی می توان گفت، معیارهای سنجش مضاًمین در ایس بخش با آنچه «مدل های محاسباتی فرایند» کتاب جامع «تحــو و فرایند خوانش» اثر لوســین

(۱۹۷۵) ذکر شده، تفاوّتهایی اساسی دارد. مترجم اما در برگردان اصطلاحات متعده مر جرما مدیر بر طرفن مسیر اکادمیک و تخصصی موفق عمل کرده است کنام کمترین خطاهـای ویرایشــی - ویراســتاری را دارد و در مـواردی همچـون ارجاعات، پانویسهــا منابع و نمایدها، فهرســتـها و اشــارات پاک و پاکیــزهای را و دهایقاده ایرانی یا دو انسازات یا دو با نیر دادی را تحویل مخاطب می دهـد. صادقی، اگرچه احـساس میشـود در موارد اساسـی کتاب یعنی در متن اثر، به مفاهیم و سـاختارهای روایی مولف پایبند بوده است اما در نوشـتار و کار ترجمه از اندیشـه زبان شناسی و دبی خود در یار های صفحات ســـود جـســـته اسـ بی همچنین در ارایه برخی کلمات، رســمالخط ویژه خود را که برآمده از همان شناخت است، پیاده کرده. با همه ینها، «درآمدی بر شعرشناسی شیناختی» را می توان یمه، حرسی بر صرحیی می میکنون جامع رین کتاب در این موضوع دانست که هماکنون در دسترس پژوهشگران و اهالی تحقیقی – پژوهشی ادبیات قرار دارد و این نکته کتاب راویژ گی و بر جستگی

مريمعباسىشكر جايىزيرسايەدنجدرختھاىكاج

در همین صفحه من

بشخص

کاملی با هم جلو می روند کی همان طور که گفته شد، در این داستان ساختارمند، التذاذ خوانش را برای خوانندگانش به همراهدارد. کشف عاقبت مرد شايدان نمدورمای از روی نشانههایی که در این داستان به م مجموعه داستان سياوش گلش . جر ی، ۲۰، رو کر کر کرد کاررفته امکان پذیر است. اولی سوسک بی جانی که بشتر از همه متاثر از همین داستان باشد. «کَسُ كەاز يادادممى روددىگر مثل وشبيەندارد. اگر دارد زنده زنده در حال تحز به شـــدرز است، دیگری بشه ردهای که به زعم راوی شاید مدت ها پیش به دام یعنی از یاد آدم نرفته است.» پارادوکسی که پشت افتاده درواقع مرگ روحی و روانی در طول داستان و مرگ فیزیکی (خودکشی) در ادامه آن و در انتهای داستان اتفاق می افتد. این جمله پنهان شده معنی کل مجموعه را برای ما بازگومی کند. اثر، داستان پیچیده ای است. حداقل درخوانش اول. هرقدر هم پیچیدگیداستانی بیشتر باشــد التذاذ خواننده بعد از کشف

نگاهی توصیفی به مجموعه داستان «مثل کسی که از یادم می رود» همهمىچرخندومن ثابتام

«مثل کســی کهاز یادم می رود» دومین اثر ســیاوش گلشــیری چندی پیش به همت «روزنه» منتشر شــدهاست. قســمت نخسـت نقـد پیش رو درباره این کتاب ۲۷ بهمن ۳

داستان های مجموعه را با عنوان خودش به نقد کشیده که در این جاب صورت میان تیتر

مثل كسكه از

يادم ميدود

است. قسسمت نخست نقد پیشرو درباره این کتاب ۲۷ بهمن ۱۳۹۲ د. د. کنون بخش دوم آن را مطالعه می کنید. یادداشت هر یک از

ی ر بود. بنابراین فرم و محتوای داس

می گردد تا حقیقت ماجرا برای خودش و ما روشن شده بنابراین فرم و محتوای داستان در هماهنگی

مميشه تنهايكي مي ماند

مىرداين داستان همسيايه سابقش را مخاطب قرار مىدهد و

در این تکگویی درونی آنچه را که مانمی دانیم برای ماباز گومی کند.

او در حال اعتـراف و تخلیه روانی خودش است. از طرفی میخواهد

نظمئن شود که همسانه سانقش یک موقّع جایی حرفـی نزند و

ماجرا را برای کسی لو ندهد چون

در جاهایی حرف هیای راوی بوی تهدید بــه خودش می گیــرد اما

تهدیدها جدی نمی ُسوند و او حتی گاهی

این پیچیدگی هابیشترمی شود. -ب---- کی --- رایی را مــردی در دوران دانشــجویی دلباخته همکلاسی خود می شود. دختری که شهرت چندان خوبی ندارد و مــرد در تــرم آخر متوجه مسأله میشود. بعداز کناره گیری 晶 مسانه می شود. بعد را خاره بیری دختــره او درس و دانشــگاه را رها می کند به سـربازی می رود شاید بتوانــد فرامــوش کندامــا راوی داستان، به طور ناخواسته با عملی



بچرخانہ

بگذاردونه عذاب وجدان دستاز سرش برمی دارد. بنابراین داستان یک داستان شخصیت محو سر یا شور پر و یا یا سالیا با اور اور این شان »در داستان هم دقیقا همین اتفاق می افتد راوی هــمُدورهای اش را، دختر دانشــجو را، علــی را، پیک را، عکس دختر تــوی ژورنال را به است که باپر داخت ذهن و زبان و لحن راوی مرد جلو می رود و این کار به خوبی انجام شده است. همراه تمام اتفاقاتـــی که در زمانهــا و مکانهای مختلف افتاده دور مي چرخاند و همـه وجوه آن را

گنجه

ے۔ ادامہ دار د

معر فی کتاب «اقتصاد بر ای همه» اثر دکتر علی سر زعیم بحثهايياقتصادىبراي تودههاي مردمي

علىملاوردى دانشجوى اقتصاد

معناي آمار وارقام اقتصاد كلان را بفهمند و دلالت آن را در زندگی روز مرهشان متوجه شوند. تاکنون کتابی که به شکل رضایت بخشی به این افراد در جهت تحقق این هدف یاری رساند وجود نداشت جهت تحقق این هدف یاری رساند وجود نداشت کتابهای اقتصادی یا بسیار پیچیده وفنی هستند بــا كتابهايى مقدماتي إنداما معطــوف به اقتصاد ۔ کشورهای غربی، خصوصاً آمریکا نوشته شدهاند و خواننده حتی اگر حوصله کند که فرمول ها و نُمودُارهای آن را بفهمُــدُربط آن مطالب را بهُ وَضَعُ اقتصاد ایــران و مباحــث روز در نمی یابد.» همین

مقدمه و زبان سـادهاش می تواند توضیــح خوبــی برای چیســتی «اقتصــاد بــرای همــه باشــد» چیزی که حتی عنوان کتاب هم چیزی که حتی عنوان کتاب هم میخواهد بــر آن تأکید داشــته باشد.نکته جالب توجهی کهمولف در بخــش دیگــری از مقدمهاش اشباره می کند و بیا آن بحث یک آسیبُشناسی ُرا در ذَهن ایجاد کرده است، اشــاره به تأثیر منفی

عدُمدرک صحیح مُسردم از مبانی اقتصاد است. او می نویسد: «گر مبانیی اقتصاد بهدرستی برای افراد تشریح نشود امکان تشخیص . نهای اقتصادی غلط از در سـ صحیح سیاســــتـهای اقتصادی غلط از در ســـت را نخواهندداشت و افراد بهسادگی فریب سخنان زیبا یا وعدههای فریبنده و مردم پسند را می خورند.» سرزعیم با این دید، در مقام یک رویکر داجتماعی و گفتمان آگاهی بخش ظاهر شده و همین سیاست را در كل اثربىغرض خود پيشُ برده اسد

«قتصاد برای همه» محور اساســـی خود را روی ر سیاست. سیاست. های موضوعاتی همچون «رشد ـادی»، «پول ناظر بر نرخ بهــره»، «پول ناظر بررسی سیاس قتص_لاء ۳ به مهار تــورم»، «ارز»، «کاهش مداخلات دولت»، «ایجــادرقابــت وانحصارزدایی» و سیاســتـهای ىت وأنحصارزدايى»و سياس «مالــــــــ»، «تحـــاري» «معطــوف به اشــــتغال» و «معطوف به تحقق عدالت اجتماعي» عطف كرده است. کتاب رامی توان زیرم جموعه «علوم تحقیقی اقتصاد» دانست و به خاطر منابع و رفرنس های دقیق به عنوان کتابی کامل معرفی کرد. على سرزعيم، حداقل براي دانشجويان اقتصاد، مهندسی اقتصاد و افرادی که با مسائل تحلیل اقتصاد سـروکار دارند نام آشــنایی اســت؛ بیشتر بامطالبی که گاهلی در جراید نوشته از همین مطالب میتوان تشـخیص داد که دکتر سرزعیم، به تحلیل در زمینه اقتصاد وار داست و نگاه انتقادی نوبی دارد. او به تازگی کتابی را تالیف کرده با نام «قتصاد برای همه» که اگر بخواهم به شکلی کلی در یک سطّر دربارهاش بنویسم این است که: کتاب در همــه فصلهای خودش ســعی کرده مســائل مختلف اقتصادی کـــه مردم بک جامعه در روز با آن سـرو کُار دارند



را با زبانی سادہ و بدون استفادہ از اصطلاحات تخصصی علم اقتصاد بیان کند. بیشــتر افرادی که این کتاب ۱٫ مطالعه کردهانـــد درباره أن نظر مثبت داشــتند و كتاب ر اثری قابل تامل دانستهاند. یکی از رى .ن بى بى اين افراد استاد مصطفى ملكيان، فيلسوف و پژوهشگر معاصر ايرانى

است، او بر کتاب دکتر سرزعیم، تقریطی نوشته است که خواندن آن خالی از لطف نیست: «کتاب رااز حیث۵فضیلت بزرگی که برای هر کتاب، رساله ومقاله خوب قائل ام یعنی از لحاظ هدفمندی، آسان یابی، عدم خروج از موضوع بحث،

نزدیکی هرچه بیشتر به مسائل و مشکلات عینی، واقعی و هرروزه و اجتناب از هر گونه فضل فروشی، و حلی و مرزور و یسب از مرعب سیل رومی. خودنمایی و رجزخوانی نویســنده، بســیار ممتاز می،ینـم این گونهنوشته هافارغاز موضوع بحثشان به توسعه و تعمیق فرهنگ و عقلائیت جامعه مدد يارمىر ُسانندوازايُنجنبهُ به جدقابل توصيهاند. بسیر می دست در دن . امید می برم که علی سرزعیم به نشر نوشته های بسیار بیشتری از این دست تولیق یابد.» «قتصاد برای همه» توسط انتشارات هترمه» منتشر شده . بت. کتاب از ۱۰ بخش به علاوه بک بخش کوتاه نتیجه گیری تشـکیل شده. دکتر سـرزعیم خود در مقدمهاش در کتاب آورده اسـت: «بسـیاری از افراد دوست دارند که از بحثهای اقتصادی که در رسانه ها درمی گیرد سردر آورند. دوست دارند



کار آمد بود، او باور دادٔ

. ت و زايايي زبان که تنها با نظامهای صوری و ریاضی قابل توصیف ی رزبان گشتاری» و «دســـتور زبان جهانی» چامسکی که مشخص کرده

: «زیرساخت و روساخت» و «نسان ها یک نوع دستور زبان جهانی یا نوعی

نظریه «رتباط زبان بــا حالات بدنی» که به وســیله لکاف (۱۹۹۹) براساس cognitive poetics in practice اندیشه چامسکی ار ایه و منجر به ایجاد

دورویمرد درم.یکی (ریمرد مصفی) مرد و رویمرد شناختی»را به گستره زبانشناسی اضافه کرد. تا آغازی بر رابطه «علمشناختی» و «زبانشناسی»باشد. در آمدی بر شعر شناسی شناختی

کیلیسی و هسی مسرحت می اسر در بعد می است کی ا که از چنین مفهومت تصویری دقیق ندارد، بدهد اگرچه حتما چنین کتابی برای اهالی خاص ادبیات نوشته می شودو نویسنده فرض را بر آن می گذارد



، بهتی چند می در زبان در بودند (به ترتیب) هر جمله در زبان در دو سطح بازنمایی می شود که عبارتند

دانش زبانی زیستی برخوردارند» نیز در این شـــناخت تأثیر داشـــتند، با این